



## چگونه برای تأمین منافع صنفی سیاسی باید مبارزه کرد؟

بعد از اعتراض‌ها و اعتصاب‌های گسترده کارگران کشورمان با خواست اصلی‌شان یعنی حذف دلارانی نیروی کار به خصوص در صنایع نفت و گاز در تابستان ۱۳۹۹، کارگزاران رژیم مطابق معمول تصمیم به مهار اعتراض‌ها از طریق سرکوب و اخراج فعالان کارگری گرفتند. اما با تشدید اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها در تابستان ۱۴۰۰ رژیم در

شهریورماه تهیه لایحه‌ای و تصویب آن در مجلس برای برچیدن بساط و حذف پیمانکاران و واسطه‌ها را وعده داد. هدف رژیم تحمیل بویه فرسایشی کردن به مبارزه کارگران و نا امید کردن آنان از نتیجه اعتراض‌ها بود. اکنون بعد از گذشت بیش از یک سال و به‌رغم گسترش دامنه اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها به‌خصوص در بیش از ۱۰۰ دانشگاه، هنوز هدف رژیم طولانی کردن سیاست فرسایشی است. واقعیت امر این است که بدون همراهی با جنبش مردمی و سازمان‌دهی اعتصابی گسترده و فلج کردن رژیم فاسد ولایی، پیمانکاران حذف نخواهند شد و مطابق معمول تحمیل دستمزدهای یک چهارم خط فقر، تبعیض گسترده، سرکوب و اخراج فعالان کارگری ادامه خواهد داشت.

حذف پیمانکاران و واسطه‌های انگلی و تبدیل وضعیت شغلی نیروی کار و **ادامه در صفحه ۳**

نامۀ  
کارگری  
ضمیمه



شماره ۶۴، ۱۸ مهر ۱۴۰۱

## اصلاح قانون کار، تهاجم به حقوق کارگران است. پاسخ زحمتکشان، اعتصاب و پیوند با جنبش اعتراضی سراسری



چندی است که دوباره "اصلاح" قانون کار مطرح شده است. اگرچه پیشنهاد اصلاحات قوانین کار و تأمین اجتماعی محدود به حذف تبصره یک ماده هفت قانون کار و تاختن به سنوات ارفاقی بازنشستگی‌های پیش از موعد در قالب اصلاح این‌نامه مشاغل سخت و زیان‌آور نمی‌شود، اما پرداختن به همین دو، عمق فاجعه و شمشیر از رو بسته اتانق بازرگانی و هم‌فکران‌شان را به‌خوبی نشان می‌دهد. بر اساس تبصره ۱ ماده ۷ قانون کار، حداکثر مدت

قرارداد برای کارهای موقت باید به‌تصویب هیئت وزیران برسد که این مدت در سال ۱۳۹۸ تعیین شد و سقف ۴ سال برای قرارداد کارهای موقت تعیین شد. در تبصره ۲ ماده ۷ نیز بیان شده که در کارهایی که طبیعت آن‌ها جنبه مستمر دارد در صورتی که مدت در قرارداد تعیین نشده باشد قرارداد دائم تلقی می‌شود. طبیعتاً وقتی در تبصره ۱ مدت برای کارهای موقت تعیین می‌شود دیگر در کارهای با ماهیت مستمر باید مدت قرارداد دائم باشد. "اصلاح" قانون کار موضوع جدیدی نیست و در دولت‌های پیشین نیز این لایحه به مجلس فرستاده شده بود. دولت و مجلس همواره این ادعا را داشته‌اند که با "اصلاح" قانون کار می‌توان به رشد تولید و افزایش اشتغال یاری رساند و البته با وجود تضاد آشتی‌ناپذیر میان سرمایه و کار، بر این ادعا نیز هستند که "اصلاح" قانون کار نه‌تنها منافع کارفرمایان، بلکه منافع کارگران را نیز تأمین خواهد کرد. فرشاد اسماعیلی، حقوقدان و پژوهشگر حقوق کار، سال گذشته در همین مورد گفت: "اصلاح قانون کار به‌نفع کارگران یا اصلاحاتی که در این سال‌ها مدنظر دولت و مجلس بوده فرق دارد. اصلاحاتی که دولت و مجلس به‌دنبال آن هستند همواره با این پیام که قانون کار مانع کسب و کار و تولید است، در پی آن است تا از بار تعهدات و تکالیف کارفرماها و قوانین و مقررات مربوط به کارفرماها مقررات‌زدایی کند. این مقررات‌زدایی خود یکی از اصول و تکنیک‌های اقتصاد نئولیبرال است. ... در تمام دولت‌ها در خصوص قانون کار از تکنیک مقررات‌زدایی - به‌معنای قانون‌زدایی از تکالیف کارفرماها - استفاده شده و جالب اینکه در تمام دولت‌های مختلف این پیام داده شده است [پایگاه خبری کارگر ایرانی، ایونا، ۲۷ آبان‌ماه ۱۴۰۰]."

با حذف تبصره ۱ ماده ۷، در عمل دست‌یابی به قراردادهای دائم منتفی خواهد شد و راه را برای کارفرماها در مجبور کردن کارگران برای تن دادن به قراردادهای سفیدامضا باز خواهد کرد. امضای قراردادهای سفیدامضا پیش از هرچیز امنیت شغلی کارگران را به‌خطر می‌اندازد آن‌گونه که در پی آن کارگر ناچار است بر اثر احساس ترس از اخراج شدن به خواست‌های غیرقانونی کارفرما تن دردهد. اما چه جایگزینی قرار است برای تغییر قانون کار ارائه شود؟ پاسخ روشن است! تحمیل بی‌قانونی مطلق به‌سود تأمین منافع کلان‌سرمایه‌داران و رانت‌خوارها! مانند آنچه در رواج قراردادهای موقت و سفیدامضا شاهد بوده و هستیم.

قراردادهای موقت و خصوصاً قراردادهای سفیدامضا می‌توانند کارگران را به انجام کارهایی گوناگون که در تخصص‌شان نیست یا تغییر محل کار وادار کنند. **ادامه در صفحه ۳**

## خیزش مردمی، اعتراض‌های سراسری، و وظیفه جنبش کارگری سندیکایی در اوضاع حساس کنونی!

با تدارک و سازمان‌دهی پیش به‌سوی اعتصاب عمومی

جنبش اعتراضی سراسری با وجود سرکوب و مانورهای فریبکارانه حکومت جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. خیزش کنونی مردم ایران این بار ابعاد و ژرفایی به‌مراتب گسترده‌تر نسبت به گذشته دارد. سطح مطالبات، شعارهای میدانی، تاکتیک‌های مبارزاتی، میزان حضور لایه‌های اجتماعی مخالف دیکتاتوری به‌ویژه نقش برجسته و ستایش‌برانگیز زنان و دختران و مخالفت قاطع آنان با سیاست‌های زن‌ستیزانه و حجاب اجباری، اتصال اعتراض در مناطقی که از ستم‌ملی رنج می‌برند با جنبش سراسری از زمره ویژگی‌های این دور از خیزش ملی و مردمی به‌شمار می‌آیند. علاوه بر این‌ها، باید به برآمد نوین جنبش دانشجویی نیز اشاره داشت. دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف با حضور و ابتکارات خود اعتراض‌های مردمی را تقویت و در **ادامه در صفحه ۲**

**پیش به سوی پیوند دادن مبارزات کارگری با جنبش همگانی علیه دیکتاتوری ولایی، تحریم، و مداخله امپریالیسم و برای برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!**



محتوا و مفهوم طبقاتی سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی رژیم مانند نقض خشن آزادی اندیشه، قلم، راه‌اندازی گشت ارشاد، حجاب اجباری و تبعیض جنسیتی علیه زنان از جمله زنان کارگر و شاغل جدای از مضمون سمت‌گیری اقتصادی اجتماعی حکومت نبوده و نیست، سیاست‌هایی که همراه برنامه تعدیل ساختاری با محوریت آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی در دولت ابراهیم رئیسی و زیر نام جراحی اقتصادی در حال اجراست. ما با مجموعه سیاست‌هایی معین به سود طبقات توانگر و طفیلی جامعه روبه‌رو هستیم که اجرای‌شان در همه عرصه‌ها همچون عرصه سیاست، فرهنگ، اجتماع، و اقتصاد ناپدید گرفتن و پیمان کردن منافع و حقوق اکثریت مردم میهن ما در این عرصه‌هاست. از این‌رو، میان خواست‌های رفاهی صنفی طبقه کارگر و زحمتکشان با خواست‌های عام دموکراتیک در این مرحله پیوندی سرشتی برقرار است که باید با برجسته ساختن آن شعارهای فراگیر و بسیج‌گر با مضمون طبقاتی از آن‌ها استخراج کرد. بنابراین بی‌کم‌ترین تردید جنبش کارگری و سندیکایی در اعتراض‌های سراسری و کامیابی آن منافی معین دارد. به این منظور باید از هر باره جنبش اعتراضی سراسری از سوی کارگران و فعالان سندیکایی تقویت شود و هر چه پیش‌تر توده‌های کارگر را به میدان مبارزه و برپایی اعتصاب‌ها فراخواند و جلب کرد. طبقه کارگر بر پایه سنت‌ها و توانایی‌هایش قطعاً در جنبش همگانی ضد دیکتاتوری ایفای نقش خواهد کرد. باید به مشکلات ذهنی و موانع موجود برای حضور متشکل کارگران و زحمتکشان با دقت توجه کرد و در حل آن‌ها راهکار مؤثر ارائه کرد. به‌طور مثال، در زمان مناسب ضرور است به چگونگی شکل‌گیری صندوق‌های اعتصاب برای حمایت مالی از خانواده‌های کارگری اندیشیده شود.

در مقطع زمانی حساس کنونی هم‌زمان و همراه با اعتصاب‌های دانشجویی بخش‌هایی از جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی با درک صحیح از اوضاع و مسیر رخدادهای برپایی اعتصاب را مطرح و تبلیغ می‌کنند که در زمره آن‌هاست فراخوان "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" به اعتصاب. این درک صحیح از اوضاع ضروری است با فعالیت روشن‌گرانه و پیگیرانه همراه با تأکید بر اتحاد عمل فراگیر به‌تمامی جنبش کارگری و سندیکایی گسترش یابد. تأمین منافع و حقوق صنفی‌رفاهی و احیای حقوق سندیکایی در شرایط ویژه میهن ما در دل مبارزات همگانی و اعتراض‌های سراسری تحقق‌پذیر خواهد بود: استقلال عمل طبقاتی، اتحاد عمل فراگیر، و پیوند با جنبش سراسری! این است وظیفه اصلی جنبش کارگری سندیکایی در این مرحله دشوار و حساس.

پیش به‌سوی تشدید مبارزه و سازمان‌دهی اعتصاب‌ها در راستای امکان‌پذیر ساختن اعتصاب عمومی و سراسری! به‌کارگیری سلاح اعتصاب گام برداشتن به‌سوی امکان‌پذیر ساختن تغییر توازن قوا به‌سود جنبش مردمی و تأمین استقلال، آزادی، و عدالت اجتماعی در برابر دیکتاتوری مذهبی و مداخله امپریالیسم و نیروهای سرسپرده آن‌ها است. باید با هوشیاری و دست در دست یکدیگر با تشدید مبارزه و سازمان‌دهی اعتصاب‌ها جنبش اعتراضی مردمی را تقویت کرده و در جهت ارتقای آن گام به‌پیش برداریم. توقف خصوصی‌سازی، توقف اجرای جراحی اقتصادی و برنامه تعدیل ساختاری، پایان دادن به سرکوب، آزادی بیان و اندیشه، لغو حجاب اجباری، آزادی زندانیان سیاسی، و طرد و درهم‌شکستن دیکتاتوری حاکم خواست‌هایی مشترک و به‌هم پیوسته در جنبش اعتراضی سراسری هستند.

## ادامه خیزش مردمی، اعتراض‌های سراسری، ...

گسترش آن مؤثر بودند. اعتصاب در چند دانشگاه کشور در دهمین روز اعتراض‌های سراسری برگری درخشان از مبارزات جنبش دانشجویی بوده است. بورش گسترده نیروهای امنیتی-انتظامی، بسیج، و لباس شخصی‌ها به دانشگاه‌های کشور مانند آنچه در ۱۰ مهرماه در دانشگاه صنعتی شریف رخ داد و پس از آن فراخوان فرهنگیان کشور به اعتصاب و تعطیلی مدارس، نمونه‌هایی از توانایی‌های جنبش اعتراضی مردمی در این مقطع زمانی است.

در این میان نکته پراهمیتی که می‌باید به آن توجهی جدی کرد، نقش جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی در این دور از خیزش‌های مردمی و سطح آمادگی طبقه کارگر در عرصه‌های آن‌ها است. جنبش اعتراضی سراسری علاوه بر آنکه از نبود یک مرکز رهبری و هدایت یعنی جبهه واحد ضد دیکتاتوری و هماهنگی ضرور میان جنبش‌های اجتماعی نیز محروم است سهم جنبش کارگری هم در آن و در این لحظه با توان بالفعل و بالقوه طبقه کارگر و زحمتکشان متناسب نیست. عامل‌های عینی برای مشارکت مؤثر طبقه کارگر و زحمتکشان فکری و یدی در اعتراض‌های سراسری به‌میزان زیادی فراهم است. جراحی اقتصادی و دستبرد به حقوق و دستاوردهای تاریخی زحمتکشان که با اصلاح گام به‌گام قوانین کار و تأمین اجتماعی همراه با برنامه دولت برای آزادسازی مزد که به‌نارضایتی و اعتراض گسترده توده‌های کارگر دامن زده است از جمله این عامل‌ها هستند.

با این وجود، به‌دلایلی عمدتاً ذهنی کارگران و زحمتکشان هنوز به‌صورت متشکل در جنبش اعتراضی حضور ندارند. البته این بدان معنا نیست که طبقه کارگر سکوت اختیار کرده یا نظاره‌گر متغیر سیر رخدادهاست؛ برعکس، طبقه کارگر در اعتراض‌ها نه تنها دچار انفعال نیست، بلکه فقط به‌صورت سازمان‌یافته و متشکل در آن تا کنون سهمین نشده است. زحمتکشان به‌طور پراکنده در اعتراض‌های خیابانی مشارکت دارند. سخن پرسر حضور سازمان‌یافته و متشکل با به‌کارگیری سلاح کارآمد اعتصاب و نخست در رشته‌های مختلف، مناطق گوناگون، و سپس به‌صورت عمومی و سرتاسری است.

این را نیز باید بیفزاییم که چگونگی حضور جنبش کارگری در اعتراض‌های سراسری را صرفاً نمی‌توان به‌ضعف و کاستی‌های موجود این جنبش محدود ساخت، بلکه جنبش همگانی ضد دیکتاتوری مردم ایران به‌طور کلی به‌ضعف‌هایی مبتلاست که در درون مجموعه آن باید میزان نفوذ، فعالیت، و اثرگذاری جنبش کارگری را ارزیابی کرده و به‌رفع آن با ارایه راهکاری صحیح کمر همت بربست. آنچه به منافع طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما مربوط می‌شود عبارت است از: خواست طرد، نفی، و درهم‌شکستن دیکتاتوری مذهبی. طبقه کارگر میهن ما طی همه این سال‌ها با تمام کاستی‌ها نشان داده است در مبارزاتش برای تأمین منافع طبقاتی و صنفی‌رفاهی خود منادی اتحاد عمل گسترده همه لایه‌ها و طبقه‌های متضرر از استبداد ولایتی بوده است. به‌بیانی دقیق‌تر، میان گسترش فقر در خانوارهای کارگری، کاهش قدرت خرید زحمتکشان، نابودی امنیت شغلی‌شان و برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی تاریک‌اندیشان ارتباطی مستقیم وجود دارد. سیاست‌های کلی حکومت جمهوری اسلامی در بخش اقتصادی شامل اجرای برنامه ضدملی و ضدکارگری تعدیل ساختاری است، این برنامه نه‌تنها کارگران و زحمتکشان بلکه اکثریت جامعه ما را به فقر و فلاکت کشانده است. شایان ذکر است که برنامه تعدیل ساختاری از سوی نهاد‌های سرمایه‌داری جهانی یعنی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به حکومت جمهوری اسلامی دیکته شده است. علاوه بر این، رژیم در برنامه فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی‌اش با اعمال فشار و خشونت در هر چه پیش‌تر محدود کردن حقوق و آزادی‌های دموکراتیک فردی و اجتماعی از جمله حقوق سیاسی و حقوق سندیکایی طبقه کارگر اقدام کرده است.

## ادامه چگونه برای تأمین منافع، ...

امضای قرارداد مستقیم و دائمی با کارفرمای مادر در صنایع نفت وزارت نفت، آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، و دیگر نهادهای دولتی و کارخانه‌های تولیدی و معادن قرار بود به‌وسیله طرح "ساماندهی استخدام کارکنان دولت" انجام گیرد. این طرح در نهایت در پنجم تیرماه سال جاری به صحن علنی مجلس رسید و کلیات آن تصویب شد؛ اما به‌بهانه بررسی جزئیاتش به‌اصطلاح "دوشوری" شد و به کمیسیون اجتماعی برگشت داده شد. بر اساس گفته ولی اسماعیلی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در دوم دی ماه ۱۴۰۰ "یک مافیای ۴۵ هزار میلیارد تومانی در بحث شرکت‌های پیمانکاری دخیل است." با وصف کاهش "۴۵ هزار میلیارد تومان" از هزینه‌های دولت. هنوز هم سازمان امور استخدامی زیر کنترل رئیسی، به‌اصطلاح "بار مالی" برای دولت را به‌عنوان بهانه در مخالفت با تصویب این طرح پیش می‌کشد. قرار بود بررسی جزئیات بیش از یک ماه طول نکشد، ولی بعد از سه ماه و مطابق گزارش رسانه‌ها در ۷ مهرماه، علی بابایی کارنامی، عضو کمیسیون اجتماعی و رئیس فراکسیون کارگری مجلس، می‌گوید: "کارگران نگران نباشند... تا آخر سال حتماً تمام مراحل قانونی طی می‌شود." کارنامی تهیه متن شسته و ژفته را علت تأخیر عنوان کرد و ادامه "شیوه قانونی مطالبه‌گری" کارگران را ستود؛ اما دو روز بعد در ۹ مهرماه، کیومرث سردی، عضو کمیسیون اجتماعی، از "تغییر بخشی از طرح اولیه" خبر داد و گفت: "بحث تبدیل وضعیت نیروهای قراردادی و پیمانی نهادها به‌دلیل مخالفت دولت و بار مالی اجرای آن از طرح خارج شده است."

بر اساس اظهارات نمایندگان کمیسیون اجتماعی، روز ۱۱ مهرماه یکی از معلمان خرید خدمتی به رسانه‌ها گفت: "وزارت آموزش و پرورش و معلمان در دایره شمول طرح ساماندهی قرار نمی‌گیرند." این معلم افزود: "هدف طرح ساماندهی، حذف پیمانکاران و تبدیل وضعیت تمام نیروها در تمام نهادهای دولتی و عمومی است... معلمان خرید خدمتی نصف رسمی‌ها هم حقوق و مزایا نمی‌گیرند... در آموزش و پرورش به‌مراتب بیشتر از برخی نهادها، با تعدد قراردادهای شغلی و تبعیض حقوق مواجیم." واقعیت این است که اخبار دریافتی از مناطق نفتی و پالایشگاهی از حضور "مطمئن پیمانکاران در نیمه دوم سال" حکایت می‌کند. رژیم ولایی جز تاراج بقیه منابع ملی و بهره‌کشی وحشیانه از زحمتکشان هدفی دیگر ندارد؛ ارائه طرح ساماندهی از سوی مجلس و دولت نیز صرفاً جهت تحمیل فرسایشی کردن به روند اعتراض‌های زحمتکشان بود. تنها راه تحمیل عقب‌نشینی واقعی به رژیم، همراهی کردن با جنبش مردمی کشور و سازمان‌دهی اعتصابی گسترده به‌خصوص در صنایع نفت برای فلج کردن رژیم ستمگر و فاسد ولایی است. با اتحاد عمل فراگیر در جهت تدارک و سازمان‌دهی اعتصاب در صنایع نفت سپس به‌سمت اعتصاب عمومی باید حرکت کرد.

## ادامه اصلاح قانون کار، ...

ماده ۱۰ قرارداد کار می‌گوید: "نوع کار یا حرفه یا وظیفه‌ای که کارگر باید به آن اشتغال یابد باید مشخص باشد. بر همین اساس کارفرما حق ندارد از کارگران کاری را بخواهد که برای آن استخدام نشده‌اند. علاوه بر این‌ها، کارفرماها خود را به پرداخت مزایا، بازنشستگی، بیمه، سختی کار، و دیگر حقوق قانونی کارگران موظف نمی‌دانند که این خود گام دیگری است در تحمیل شرایط سخت کار با حداقل دستمزد و در نتیجه کاهش قدرت خرید زحمتکشان. پرداخت حق بیمه و مزایا از زمان استخدام کارگران، چه به صورت موقت و چه دائمی، وظیفه کارفرماها است و امنیت شغلی زحمتکشان را تضمین خواهد کرد."

به‌همین دلیل قراردادهای سفیدامضا و کارهای موقتی که در اشتغال‌های دائمی به‌کار گرفته می‌شوند، نه‌تنها باید محدود و برچیده شوند، بلکه راه برای احیای قراردادهای دائمی در راستای تثبیت امنیت شغلی می‌بایست گشوده شود. "اصلاح" ماده ۷ قانون کار از جمله تغییرهایی است که به‌طور کامل بر ضد منافع کارگران و به‌سود تأمین منافع سرمایه‌داران صورت می‌گیرد و دولت و کارفرماها در هماهنگی با یکدیگر در تلاش هستند آن را اجرایی کنند. این تغییرهای برنامه‌ای هماهنگ شده بر پیکر قانون کار در حال احتضار و تهاجمی همه‌جانبه به آن از سوی دولت و کارفرماها حمله به دستمزد و کاهش حقوق قانونی زحمتکشان است، دستمزد و حقوق‌هایی که بر اساس قوانین ضد کارگری جمهوری اسلامی هر روز از آن‌ها کاسته و کم‌تر می‌شوند.

تضمین امنیت شغلی و ایجاد شرایطی قانونی در تأمین منافع کارگران و زحمتکشان وظیفه دولت است، ولی در چارچوب رژیم کنونی چشم‌اندازی در عمل به آن دیده نمی‌شود! برای به‌وجود آوردن شرایطی قانونی در تأمین منافع کارگران و زحمتکشان به تغییرهایی بنیادین در تمامی حاکمیت و قوانین ضد کارگری آن اقدام عاجل نیاز است.

## شورای عالی کار و نقش مخرب تشکل‌های زرد حکومتی در آن!

رشد جنبش اعتراضی سراسری هرچه بیشتر نقش و حضور متشکل کارگران و زحمتکشان در اعتراض‌ها را طلب می‌کند. در این میان تشکل‌های زرد حکومتی سال‌هاست که در مقام مانع در برابر دستیابی طبقه کارگر به حقوق صنفی‌اش و نیز برپایی تشکل مستقل سندیکایی‌اش عمل کرده‌اند.

رژیم ضد کارگری حاکم بر میهن ما تا امروز از اجرای بندهایی از قانون کار و همچنین اجرای مفاد منشور جهانی حقوق سندیکایی و مقاله نامه‌های بین‌المللی با ترفندهایی گوناگون طفره رفته است و به‌منظور تضعیف باز هم بیشتر موقعیت اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی طبقه کارگر میهن‌مان قصد اصلاح قانون کار را دارد.

رژیم ولایت فقیه به‌موازات این یورش‌ها، با سرکوب و از میان بردن فعالان و مبارزان راستین کارگری و غیرقانونی کردن تشکل‌ها و سندیکاهای مستقل، زمینه کار و فعالیت تشکل‌های زرد و دست‌سازمانده کارگر، انجمن‌ها و شوراهای اسلامی کار را در

کارگاه‌ها و کارخانه‌ها فراهم ساخت و از بین این تشکل‌ها وابستگان مطیع و گوش به‌فرمان خود را در مقام نماینده کارگران در نشست‌های شورای عالی کار جا زد تا با نمایش‌هایی مضحک و فریبنده ارزان‌سازی مزد و حقوق کارگران و زحمتکشان در بازار آزاد بی‌نظارت را تداوم بخشند.

با اوج‌گیری مبارزات کارگری در این چند سال که با خواست احیا و ایجاد تشکل‌ها و سندیکاهای مستقل کارگری همراه بوده است ما خواست مشارکت فعال نمایندگان واقعی کارگران در نشست‌های شورای عالی کار را شاهد بوده‌ایم. از این‌رو، رژیم درصدد تغییر ترکیب شورای عالی کار برآمده است تا از حضور و مشارکت نمایندگان واقعی و اتحادیه‌های کارگری مستقل که قاطعانه و بدون مماشات و سازشکاری در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان وارد مذاکره می‌شوند مانع شود. البته قبلاً در دولت ضد ملی احمدی‌نژاد ترکیب شورای عالی کار به‌سود کلان‌سرمایه‌داران تغییر کرده بود. اینک دولت رئیسی درصدد تغییر بازهم بیشتر به‌سود رانت‌خوارها و دلال‌ها در ترکیب این شورا است.

باید تأکید کرد که با وجود به‌اصطلاح سه‌جانبه بودن شورای عالی کار، هیچ‌زمان دستمزد و افزایش واقعی پیدا نکردند، شرایط و وضعیت زندگی کارگران بهبود نیافت و در مقابل، مقررات‌زدایی گسترده در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ادامه پیدا کرد و اکنون دولت حامی سرمایه‌داران در ادامه سیاست‌های ضد کارگری‌اش قصد دارد با یورش از قبل برنامه‌ریزی شده و با ارسال لایحه‌ای به مجلس به‌صورتی یک‌جانبه ترکیب شورای عالی کار را اصلاح کند. به‌عبارتی، یک‌جانبه‌گرایی را آشکارا جایگزین سه‌جانبه‌گرایی پویشی کنونی کند. در این ترکیب پیشنهادی، دولت ۷ نماینده دارد، کارفرمایان سه نماینده که جمیع آنان در مقابل سه نماینده انتخابی از درون تشکل‌های زرد و مطیع فرامین رهبری، صف‌آرایی خواهند کرد. با این ترکیب پیشنهادی و یکدست شدن شورای عالی دولتی و کارفرمایی، حتی روی کاغذ هم حمایت قانون کار معنا و مفهومی نخواهد داشت و مفهوم سه‌جانبه‌گرایی بیش از گذشته از محتوا تهی و از میان برداشته خواهد شد.

در چنین شرایطی کارگران و زحمتکشان میهن‌مان به مبارزه برای دستیابی به حقوق صنفی و سیاسی‌شان ادامه خواهند داد و برای تغییر توازن قوا به‌قصد عقب‌راندن کامل این رژیم فاسد و ضد مردمی لحظه‌ای دست از مبارزه بر نخواهند داشت. اتحاد عمل فراگیر و ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، همراه با تدارک و سازمان‌دهی اعتصاب در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها در زمره تجربه‌های ارزنده و گران‌بهای است که کارگران و زحمتکشان ایران و جهان در مبارزه‌شان در راه تأمین حقوق‌شان و ارتقای وضع زندگی خود به‌دست آورده‌اند.



دوسال آینده برای خزانه ۴٫۶۵ میلیارد دلار برای کارگران اتحادیه‌ای و ۱٫۱ میلیارد برای کارگران بدون اتحادیه هزینه خواهد داشت.

همینگوی می‌نویسد: "در دو سال گذشته کسری بودجه حدود ۷ میلیارد دلار و ۹ میلیارد دلار بوده است، یعنی کم‌تر از رقم پیش‌بینی شده هستند." او افزود که این استان چه در دوره حکومت لیبرال‌ها و چه در حال حاضر (دولت "دی‌پی") موقعیت مالی‌اش طی ۱۶ بودجه در ۲۰ بودجه گذشته را دست کم گرفته است. او افزود: در عمل "بالا پایین کردن پیش‌بینی‌های اقتصادی (مانند ندیده گرفتن درآمدهای منابع طبیعی) موضع‌گیری‌ای جانبدارانه علیه هزینه کردن در امور عمومی است و در واقع بحث در مورد اولویت‌های مالی را منحرف می‌کند.

همینگوی تخمین می‌زند که توافق «۵-۵-۵» در مدت سه سال به معنی هزینه کردن حدود ۹٫۶ میلیارد دلار بوده است در حالی که کمک هزینه‌های احتمالی و پیش‌بینی شده به‌تنهایی مبلغ ۱۶٫۲ میلیارد دلار در مدت مشابه است. او می‌گوید اگر هزینه‌های عملیاتی به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی به سطح سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ / ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ برگردد، استان بریتیش کلمبیا سالانه حدود ۸٫۵ میلیارد بیش‌تر برای سرمایه‌گذاری‌های حیاتی‌ای اجتماعی و زیست‌محیطی خواهد داشت.

این آمار و ارقام درآمدهای حاصله از بخشودگی وسیع مالیاتی برای شرکت‌های بزرگ و نیز برای درآمدهای بالا از دوره حکومت آقای کمپبل (لیبرال) که یک دهه پیش انتخاب شده بود بیش‌تر است. این بخشودگی مالیاتی برای استان حدود ۳ میلیارد در سال تخمین زده می‌شود.

<https://pvonline.ca/2022/08/01/bc-public-sector-workers-closer-to-strike-action/>

آخرین خبر: دولت استانی بریتیش کلمبیا با اتحادیه کارکنان بخش خدمات عمومی این استان به توافق موقتی سه ساله رسیدند. این توافق شامل حال سه‌وسه نفر شاغل در این بخش می‌گردد.

[به‌نقل از: سایت نشریه "صدای مردم" وابسته به حزب کمونیست کانادا، ۱۰ مردادماه ۱۴۰۱].

## اعتصاب سلاح کارآمد زحمتکشان



### کارکنان بخش خدمات عمومی استان "بریتیش کلمبیا"ی کانادا برای اعتصابی عمومی آماده می‌شوند!

درست در زمانی که دولت اکثریتی حزب دمکرات‌های جدید در استان "بریتیش کلمبیا"ی کانادا در حال انتخاب رهبر جدید حزب هستند، سی‌وهشت‌هزار کارگر بخش خدمات عمومی برای اعتصاب آماده می‌شوند. بلافاصله بعد از اینکه نخست‌وزیر این استان اعلام کرد که به دلیل درمان بیماری‌اش از سمتش استعفا خواهد کرد مذاکرات بین اتحادیه کارکنان بخش عمومی "بی‌سی" و سازمان خدمات عمومی استان متوقف گردید. اتحادیه کارکنان از کارمندان دفتری تا آتش‌نشان‌های جنگل با ۹۴٫۶ درصد آرا به انجام اعتصاب رای مثبت دادند.

دولت استانی "بریتیش کلمبیا"ی کانادا از پیشنهاد مناسب به درخواست‌های اساسی اتحادیه سرباز زده است. این درخواست‌های اساسی جبران هزینه زندگی، تضمین دستمزد، و حتی مصوبه خود دولت مبنی بر تضمین در دستمزد در سال مالی را شامل می‌شوند.

استفانی اسمیت، رئیس "بی‌سی"، می‌گوید: "می‌شود گفت که ما از توجه نکردن دولت بسیار ناراضیم و باوجود تمام تلاش‌های ما برای کم کردن اختلاف‌ها دولت از ارابه‌ی طرحی که بتواند به درخواست‌های اساسی اعضا مبنی بر تضمین شرایط زیستی مطلوب را اجرا کند اجتناب کرده است. ... اعضای ما از ابتدای این دور از چانه‌زنی‌ها به ما گفته‌اند که توافقی را که به جبران افزایش هزینه‌های زندگی توجهی نداشته باشد را تصویب نمی‌کنند." در نتیجه، آخرین پیشنهاد دستمزد دولت محلی در واقع کاهش دستمزد است، در حالی که ۱۶ میلیارد دلار ذخایر ارزی تخصیص نشده در بودجه استانی وجود دارد.

هم‌اکنون اتحادیه کارکنان بخش عمومی در حال برنامه‌ریزی برای "اقدام‌های استراتژیک و هدفمند شغلی" است و در حال مذاکره با اداره تنظیم روابط کارگری استان است تا نحوه خدمات‌دهی مشاغل حساس را در این اعتصاب نهایی کند. این کاری بسیار پیچیده است، زیرا تعریف حقوقی مشاغل حساس نسبت به دوران شیوع کرونا با یکدیگر کاملاً متفاوتند. اتحادیه قبل از شروع به اعتصاب باید ضرب‌الاجلی ۷۲ ساعته اعلام کند، و اعتصاب به دلیل توقف مذاکرات هر آن ممکن است شروع شود.

اتحادیه‌های بیشتری در سطح این استان در حال مذاکره‌اند. درکل، قرارداد حدود چهارصد هزار نفر از کارکنان خدمات بخش عمومی در طول امسال خاتمه خواهد یافت.

خانم اسمیت می‌گوید: "سال گذشته استان ما و قبل از شیوع کرونا و اوج‌گیری تورم درگیر بحران اقتصادی بود و هرگونه پیشنهادی که تضمین جبران هزینه‌های زندگی مطلوب (سی-او-ال-ا) را دربر نگیرد به معنی کاهش دستمزد است و هیچ کارگری این کاهش دستمزدی را قبول نمی‌کند."

رسانه‌های شرکت‌های بزرگ تلاش دارند درباره هزینه‌های "هنگفت" افزایش دستمزد ایجاد وحشت کنند، اما واقعیت امر چیزی دیگر است. مدیر یکی از این رسانه‌ها گزارش داد که ۵ درصد افزایش سالیانه و برای

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.  
آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
<http://www.tudehpartyiran.org>  
آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»  
E-Mail: [dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۶۴  
Nameh Mardom - Workers Supplement No.64

10 October 2022

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930  
23629727

